

منطق

تعریف منطق : منطق قوانین آلی را گویند که رعایت آن قوانین از لغزشهای فکری جلوگیری مینماید .

فایده منطق : از قسمت اخیر تعریف منطق بخوبی میتوان فایده منطق را دانست .
مصونیت از لغزشهای فکری .

موضوع منطق : عبارت است از ، معرف و حجت که برای شناختن و شناساندن اشیاء بمعرف و برای تصدیق کردن و بتصدیق رسانیدن قضایا بحجت نیازمندیم زیرا تصور اشیاء پیش از شناختن آنها و تصدیق قضایا پیش از دانستن دلیل صدق آنها تنها علت لغزش فکر میباشد .

ابواب منطق : منطق پنج باب دارد ۱ - باب حدود و رسوم ۲ - باب کلی های پنجگانه
۳ - باب قضایا ۴ - باب قیاس ۵ - باب صناعات پنجگانه .

چرا ابواب منطق پنج تا است و بیشتر یا کمتر نیست ؟ آیا ممکن است ابواب دیگری بر پنج باب منطق افزود ؟ آیا میتوان دو یا سه باب از پنج باب آنرا یکی کرد و بنام یک باب خواند ؟ دلیلی که در پائین نگاشته میشود دلیل حصر منطق است در پنج باب و در عین حال روش استدلال بنی عقلی بودن حصر را در هر جا که عقل به حصر حکم کند میتواند آموخت *زغال جامع علوم انسانی*

ابواب منطق را نمی توان از پنج باب بیشتر یا کمتر کرد زیرا :

در منطق یا از موصل بحث میشود یا از مقدمات موصل (موصل یعنی رساننده بمقصود) و موصل یا تصویری است یا تصدیقی ، بحث از موصل تصویری در باب حدود و رسوم است و بحث از مقدمات آن ابواب کلی های پنجگانه خواهد بود .

بحث از مقدمات موصل تصدیقی در باب قضایا و بحث از خود موصل تصدیقی یا بلحاظ صورت آنست که در باب قیاس خواهد بود و یا بلحاظ ماده آن که در باب صناعات پنجگانه میباشد .

قبلا باید دانست که مراد از علم که مقسم تصور و تصدیق است

تقسیم علم

آیا علم حصولی است یا علم حضوری :

بتصور و تصدیق علم حصولی صورت حاصل از شیئی است در عقل یعنی صورت معلوم است اما علم حضوری صورت معلوم نیست بلکه عین

معلوم است مانند علم مجرد بذات خود یا بمعلول خود .

علم خدای تعالی بمعلومات خود حضوری است و علم حضوری تصور و تصدیق

نیست . علم حصولی است که مقسم تصور و تصدیق است .

علم بردو قسم است تصور و تصدیق - تصور همان صورت حاصل از معلوم است

در عقل بدون حکم کردن عقل بوقوع یا عدم و وقوع امری ، تصدیق عبارت است از

حکم و اعتقاد عقل بوقوع یا عدم و وقوع امری و نسبتی .

شرایط تصدیق : تصدیق سه شرط دارد ۱ - تصور موضوع ۲ - تصور محمول

۳ - تصور نسبت میان آنها

اقسام تصور و تصدیق : تصور و تصدیق هر یک بردو قسمند ضروری و کسبی

کسبی آنکه بفکر و نظر محتاج باشد و ضروری آنکه محتاج بآن نباشد هر چند که

به تنبیه و احساس و تجربه نیاز خواهد داشت .

فکر از تصورات و تصدیقات ضروری بی تصورات و تصدیقات نظری میبرد

و فکر در اصطلاح حرکت از مطالب تصویری و تصدیقی است بسوی مبادی آنها که

ضروری است و نایم حرکت از مبادی یعنی از تصورات و تصدیقات ضروری بسوی همان

مطالب که تصورات و تصدیقات نظری باشند .

در تعریف فکر نام مبادی و مطالب برده شد مبادی چیز هائی است

که پایه و اساس علم است و بردو قسم است :

مبادی

مبادی تصویری و مبادی تصدیقی . مبادی تصویری عبارت از

اشیا و حدودی است که در علمی مثلا استعمال میشود که اصطلاحاً آنها را حدود

و رسوم گویند پس مبادی علمی یا موضوع آن علم است یا جزء موضوع یا جزئی تحت

موضوع یا عرض ذاتی موضوع که سه قسم نخستین تصدیق بوجود آنها مقدم بر علم است

و قسم اخیر تصدیق بوجود آن در خود علم خواهد بود .